

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و هشتم

زمستان ۱۴۰۰

بررسی پیامدها و آسیب‌های فتوحات در دهه‌های نخستین اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۶

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۸

۱ خلیل زارعی

۲ شکوه‌السادات اعرابی‌هاشمی

۳ سیاوش یاری

با شروع فتوحات مسلمانان، دنیای اسلام با مشکلاتی روبه‌رو شد که خلقای نخستین برای برطرف کردن آن، روش‌های خاصی پیش گرفتند. سرازیر شدن غنائم به پایتخت خلافت، تصاحب اراضی کشاورزی ساکنان سرزمین‌های تازه فتح‌شده، تأسیس پادگان‌شهر و مهاجرت مسلمانان عرب به ایران، از جمله پیامدهای فتوحات بود که با وجود منافعی که برای مسلمانان داشت، آسیب‌هایی را هم برای جامعه نوپای اسلامی از یک سو، و مناطق تازه فتح‌شده ایران از سوی دیگر، همراه داشت؛ آسیب‌هایی چون: کنار گذاشته شدن صحابه بزرگ، تقسیم نامساوی غنائم، ایجاد طبقه اشراف، ترکیب ناهمگون جمعیت در پادگان‌شهرها، احیای تعصبات قومی و نژادی،

۱. دانشجوی دکترای گرایش تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (Khzare53@gmail.com).

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، نویسنده مسئول: (shokouharabi@gmail.com).

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ایلام: (s.yari@ilam.ac.ir).

عدم تبلیغ اسلام به صورت بنیادی، عدم نظارت بر رفتار کارگزاران در دریافت خراج و ایجاد دسته‌ای از مالکان بزرگ در حجاز. پژوهش حاضر، به بررسی و نقد پیامدها و آسیب‌های فتوحات به روش وصفی - تحلیلی می‌پردازد.

کلیدواژگان: فتوحات، خلفای نخستین، ایران، گسترش اسلام، صحابه پیامبر ﷺ.

مقدمه

دوران خلفای نخستین (۱۱-۴۰ق)، یکی از مهم‌ترین ادوار حکومت اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ است. یکی از اقداماتی که تأثیرهای بسیاری بر وضعیت اجتماعی آن روزگار گذاشت، فتوحات بود. با روی کار آمدن ابوبکر (م. ۳ق) سیاست توسعه اسلام در سرزمین‌های دیگر مورد توجه قرار گرفت و با توجه به اینکه خلافت شیخین، نوعی حکومت الهی به‌شمار می‌آمد - که در آن، هم صلح به امر خدا بود و هم جنگ^۱ - بنابراین، خلفا از این اقتدار در جهت مصلحت جامعه مسلمانان استفاده کردند. شروع فتوحات در خارج از شبه جزیره، ناشی از این تفکر بود. موفقیت‌های درخشنده و جالب سپاه مسلمانان توسعه امپراتوری عرب نیز در این زمان، باعث شد که خلفا، امکانات وسیعی در اختیار خود ببینند. این امکانات، مسئولیت‌هایی بر عهده آنها می‌گذاشت و از آنجاکه تمام قدرت در شخص خلیفه متمرکز بود، کسی دیگر حق نداشت این مسئولیت‌ها را برعهده بگیرد؛ مگر با اجازه و به‌عنوان ولایت از طرف آنها.^۲ سرعت غلبه مسلمانان و گسترش متصرفات آنان که علت آن، وعده اسلام به عامه مردم مبنی بر عدالت و رهایی‌شان از آن اوضاع و احوال نکبت‌بار و طاقت‌فرسای اجتماعی بود، چنان بود که باعث اختلاف عظیمی میان نظر و

۱. رک: توبه، آیه ۷۳ و سوره‌ها و آیات متعدد دیگر.

۲. شاکر، *التاریخ الاسلامی؛ مفاهیم حول الحکم الإسلامی*، ص ۱۷۲.

عمل شد؛ زیرا اغلب تصمیماتی که خلفا در مورد مسائل مملکتی، در سرزمین‌های مفتوحه می‌گرفتند، مبتنی بر اصول و قواعد کلی نبود و بیشتر جنبه اختصاصی داشت و معمولاً برای یک موضوع به خصوص و در یک موضوع خاص اجرا می‌شد.^۱ همین قدرتمندی، باعث در پیش‌گرفتن روش‌های متفاوت اداره خلافت اسلامی توسط خلفای راشدین، در مواجهه با فتوحات و تغییرات و اتفاقات ناشی از آن شد که به‌تبع آثار و نتایج متفاوتی داشت.

نخستین بار در زمان ابوبکر (۱۱-۱۳ق) بود که در راستای گسترش اسلام و تأمین منافع سیاسی و اقتصادی مسلمانان، فتوحات مورد توجه قرار گرفت. سرزمین ایران به‌علت نزدیکی با شبه‌جزیره، کانون توجه مسلمانان قرار گرفت.^۲ در این برهه زمانی، مسلمانان تنها توانستند به مرزهای ایران نزدیک شوند و مناطقی کوچک را به تصرف خود درآورند؛ اما در دوره عمر (۱۳-۲۳ق) بود که فتوحات به ثمر نشست و تغییرات بزرگی در ساختار حکومت و جامعه اسلامی ایجاد شد. به همین دلیل، عده‌ای دوره عمر را دوره طلایی فتوحات اسلام و روزگار ایجاد بسیاری از رسوم و ترتیبات راجع به حکومت و سیاست اسلامی می‌دانند.^۳ در دوران خلافت عثمان (۲۳-۳۵ق)، علاوه بر ادامه فتوحات، به علت سیاست‌های خاص عثمان در به‌کارگیری نیروهای بنی‌امیه در بدنه حکومت، تغییرهای بسیاری در امور اجرایی و اداری صورت گرفت که بر چگونگی شیوه اداره ایران تأثیرهای مهمی گذاشت. نتایج اقدام‌های عثمان که باعث زراندوزی و بروز تعصب قبیله‌ای در میان جامعه مسلمانان شد، در دوران خلافت امام علی (ع) (م. ۴۰ق)، خود را نشان داد. برای امام، مسئله مهم، برکنار کردن کارگزاران عثمان و بیرون راندن امویان و وابستگان‌شان از

۱. مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۱۸ و دیگر صفحات.

۲. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ص ۳۴۳.

۳. زرین‌کوب، بامداد اسلام، ص ۷۳.

دستگاه حاکمیت و اصلاح وضعیت به وجود آمده بود و همین امر، باعث ناخرسندی سران قبایل کوفه و بصره و اختلاف و دودستگی میان جامعه مسلمانان شد.^۱ این اوضاع که نتیجه شیوه زمامداری خلفای پیشین بود، خلیفه را گرفتار جنگ‌های داخلی کرد. درگیری امام علی علیه السلام به جنگ‌های داخلی جهت اصلاح وضع داخلی، باعث توقف فتوحات، و در نتیجه، عدم توسعه قلمرو حکومت اسلامی شد.

پرسش اساسی، این است که اقدام‌های خلفای راشدین در امر فتوحات، چه تأثیرهایی بر مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان و مناطق مفتوحه گذاشت؟ در دوره کوتاه مدت خلافت ابوبکر، از آنجاکه دامنه فتوحات هنوز به سرزمین اصلی ایران نرسیده و رقم‌های هنگفتی به خزانه (بیت‌المال) وارد نشده بود و از سویی دیگر، سربازان سرگرم فرونشاندن طغیان مرتدان بودند،^۲ تغییری در وضعیت اجتماعی مسلمانان پدید نیامد؛ بلکه تغییرها و دشواری‌های اجتماعی و اقتصادی، از زمان عمر آغاز شد. اقدام‌های این خلیفه و خلفای پس از وی، در امر فتوحات ایران نتایج فراوانی داشت. سرزمین‌های بسیاری فتح شد و غنایم بی‌شماری به خزانه سرازیر گردید.^۳ افرادی با فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت با فرهنگ مردم جزیره العرب، جزء جامعه اسلامی شدند. در دوره عثمان با پیگیری سیاست‌های عمر به صورت کلان، تغییرها و آسیب‌ها گسترش پیدا کرد و جامعه از آرمان‌های دین اسلام، فاصله قابل توجهی گرفت که آثار آن، خود را در زمان خلافت امام علی علیه السلام نشان داد.

اقدام‌های خلفای راشدین در امر فتوحات، آثار و نتایج بسیاری بر جامعه غالب و مغلوب برجای گذاشت. در مورد منابع دست‌اول و متقدمی که فتوحات را شرح داده‌اند،

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۴۴۴ - ۴۴۶.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۹۹ به بعد.

۳. همان، ص ۲۲۳.

می‌توان به کتب تاریخ عمومی چون: تاریخ خلیفه بن خیاط (م. ۲۴۰ق)، تاریخ یعقوبی (م. ۲۸۴ق) و تاریخ طبری (م. ۳۱۰ق) اشاره کرد و کتب فتوحی که در بخش مربوط به ایران می‌توان از آنها استفاده کرد، به ترتیب تقدم زمانی، عبارت‌اند از: فتوح البلدان بلاذری (م. ۲۷۹ق) و الفتوح ابن اعثم کوفی (م. ۳۱۴ق). در مورد کتاب‌های تاریخ محلی که بر جای مانده‌اند، مثل: تاریخ بیهق، تاریخ نیشابور، فارسنامه ابن بلخی، ذکر اخبار اصفهان و تاریخ بخارا، می‌توان گفت همگی بعد از کتاب‌های بلاذری، ابن اعثم و طبری نگاشته شده‌اند و بیشتر مطالب این کتاب‌ها، از این منابع، به خصوص از تاریخ طبری برگرفته شده‌اند. همگی این کتاب‌ها که بعضی به ذکر کلیات و بعضی به ذکر جزئیات فتوحات و اقدام‌های خلفا در ایران پرداخته‌اند، بدون دیدگاه تحلیلی و تنها در حد ذکر موضوع می‌باشند و متأسفانه این ایرادی است که بر بیشتر کتب تاریخی که در قرون اولیه اسلامی نگارش شده‌اند، وارد است و پژوهشگر باید خود از لابه‌لای روایت حوادث از زبان مورخ، به دلایل و چرایی و چگونگی مسائل تاریخی پی ببرد.

از نظر زمانی، موضوع این تحقیق، بین سال‌های ۱۱ تا ۴۰ هجری دوران خلافت خلفای راشدین است و از نظر مکانی، محدوده جغرافیایی حکومت ساسانیان در زمان حمله مسلمانان را شامل می‌شود که از این قرار بود:

۱. کور عراق

شامل ۴۸ منطقه کوچک‌تر (طسوج) می‌گشت و اسامی بعضی از آنها چنین است: بادوریا، انبار، بهرسیر، زاب (اعلی، اسفل و اوسط)، میسان، کوئی، بابل، جلولا، نهروان و مدائن. به عامل این ناحیه، «اسپهبد مغرب» می‌گفتند.^۱

۱. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۲. کور فارس و اهواز

شامل شهرهای: اصطخر، شیراز، رجان، نوبندجان، گور(فیروزآباد)، کازرون، فسا، دارابجرد، اردشیرخُره و شاپور از منطقه فارس و جندی شاپور، شوش، نهرتیری، مناذر، شوشتر، ایذه و رامهرمز از منطقه اهواز که به عامل هر دو ناحیه، «اسپهبد فارس» می‌گفتند.^۱

۳. کور جبل (جبال)

شامل شهرهای: طبرستان، ری، قزوین، زنجان، قم، اصفهان، همدان، نهاوند، دینور، حلوان، ماسبدان، مهرجانقذق، شهر زور، صامغان و آذربایجان. استاندار این ناحیه را «اسپهبد آذربایجان و کرمان» می‌نامیدند.^۲

۴. کور خراسان

شامل شهرهای: نیشابور، هرات، مرو، مروود، فاریاب، طالقان، بلخ، بخارا، بادغیس، غرجستان، طوس، سرخس، جرجان و باورد (ایبورد). به استاندار این ناحیه، «اسپهبد خراسان» می‌گفتند.^۳

پیشینه پژوهش

تاکنون کتاب، مقاله و یا پایان‌نامه‌ای که به صورت تخصصی و مستقل و منسجم به موضوع مورد بحث پردازد، نوشته نشده است؛ اما به صورت پراکنده، در منابع و پژوهش‌های مختلف در این خصوص، مطالبی بیان شده است. بیشتر کتاب‌ها و مقالات با موضوع فتوحات، به ریشه، علل، انگیزه و اهداف شکل‌گیری جنگ‌ها و پیامدهای آن

۱. همان.

۲. همو، *البلدان*، ص ۷۲-۹۲.

۳. همان، ص ۹۳ - ۱۲۶.

پرداخته‌اند. در کتاب‌هایی چون: *تاریخ خلفا و تاریخ سیاسی اسلام* دکتر جعفریان، *بامداد اسلام* دکتر زرین کوب و کتاب *جانشینی حضرت محمد ﷺ* اثر مادلونگ،^۱ مطالبی در خصوص فتوحات و آسیب‌های ناشی از آن آمده است. پایان‌نامه‌هایی نیز با موضوع فتوحات موجود می‌باشد که بیشتر به انگیزه‌ها و نتایج فتوحات پرداخته‌اند یا اینکه فقط یک جنبه از تأثیرهای فتوحات در ایران را مورد بررسی و کنکاش قرار داده‌اند. پایان‌نامه‌هایی چون: «تبیین انگیزه‌های فتوحات اسلامی تا پایان امویان» اثر سید غفور موسوی امیری، «عوامل مؤثر در مهاجرت اعراب به خراسان و پیامدهای سیاسی آن از آغاز فتوح تا پایان دوره امویان» نوشته زینب ایزدی‌نیا، پایان‌نامه «بررسی تطبیقی جنگ‌های خلفای راشدین» اثر صادق عابدینی، «نقد سیاست داخلی و خارجی خلیفه دوم» تألیف حلیمه مقصدلو، «بررسی سازمان اداری و مالی در عصر خلفای نخستین» نوشته نادر متولی، «فتوحات اسلامی در شرق بلاد اسلامی (ایران)» اثر عالیبه شهبازی، و پایان‌نامه «بررسی زندگی عمر بن خطاب و فتوحات اسلامی روزگار وی در سرزمین‌های شرقی» نوشته مریم بگلری نیز از جمله این منابع می‌باشند.

مقالاتی چون «هجوم اعراب مسلمان و ساختار جامعه ایرانی» نوشته دکتر رضا شعبانی، تحلیلی از حرکت اجتماعی - فرهنگی ایران در دوران فتوحات و نقش دهقانان و اشراف در تحولات اجتماعی و تغییر دین اقشار پایین جامعه ارائه می‌دهد. مقاله «پیامدهای اجتماعی مهاجرت قبایل عرب به ایران» اثر مشترک زهره دهقان‌پور و علی بیات، مهاجرت قبایل عرب به ایران و تأثیرهای عمیق و بنیادینی که بر ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران وارد آورد، می‌پردازد و نیز می‌توان به مقاله «فتوحات دوران خلفا؛ انگیزه‌ها و پیامدها» نوشته یوسف غلامی اشاره کرد؛ اما در مقاله پیش‌رو، سعی شده است تأثیر اقدام‌های خلفا، در راستای فتوحات سرزمین ایران در جامعه

1. Madelung.

ایرانی و جامعه مسلمان درگیر فتوحات، از جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی به‌صورت هم‌زمان مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۱. اقدام‌های خلفا در امر فتوحات و تأثیرهای اجتماعی آن بر جامعه غالب و مغلوب

الف. نخستین فتوحات و عملکرد خلفا

با شروع فتوحات در دوره ابوبکر، حکومت اسلامی وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد که بر تمام جنبه‌های زندگی مسلمانان و نواحی مفتوحه تأثیر گذاشت. برای خلیفه و فرماندهان مسلمان، رعایت مقرراتی در اولویت بود که بر قدرت دین و دولت بیفزاید.^۱ در دوران خلافت کوتاه‌مدت ابوبکر، با توجه به مشکلات داخلی حکومت اسلامی که خلیفه درگیر آنها بود، فتوحات چندان مورد توجه قرار نگرفت. در این زمان، روند فتوحات گرچه آهسته بود، اما با مرگ خلیفه به پایان نرسید؛ زیرا سیاست توسعه جغرافیایی اسلام، از مهم‌ترین اهداف عمر، خلیفه جانشین ابوبکر بود. حمله به ایران و تصرف آن، در راستای تحقق این سیاست بود؛ اما این فتوحات، شروع مشکلات عدیده‌ای برای مسلمانان شد. از آنجاکه سرزمین ایران به تدریج به تصرف اعراب درآمد بود. باعث شد اعراب به این منطقه به‌عنوان منطقه‌ای که دارای حکومتی مستقل و قائم به خود بوده باشد، ننگرند. دیدگاه‌های مسلمانان راجع به ایرانیان، تحت تأثیر وضعیت هر منطقه، حتی هر شهر و ناحیه، با یکدیگر متفاوت بود.^۲ این تفاوت را می‌توان در سیاست‌های خلفا در مورد شیوه اداره ایران، مقدار خراج، جزیه، تملک اراضی و... مشاهده کرد.

۱. گلدزیهر، درس‌هایی درباره اسلام، ص ۷۹.

۲. اشیپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ص ۵۱.

اشپولر^۱ با اطمینان می‌نویسد: امروز جای تردید نیست که دین یکتاپرستی، پایدارترین علت محرک کشورگشایی تازیان بوده است؛^۲ اما با جست‌وجو در متون تاریخی به زحمت می‌توان مواردی را یافت که پیش از حمله و هجوم به شهر یا روستایی، مردم به دین اسلام دعوت و این دین برای آنها تبیین شده باشد؛ بدان‌گونه که در زمان پیامبر ﷺ صورت می‌گرفت. به همین جهت، شاید بتوان گفت در ابتدا دین، تنها الهام‌بخش اعراب در فتوحاتشان نبوده است. تنگ‌دستی و گرسنگی، عامل قدرتمندی در برانگیختن آنها به جنگ و فزون‌خواهی بوده است. ابو عبیده (م. ۱۳ق)، فرمانده مسلمانان، به هر قبیله‌ای از اعراب می‌رسید، آنان را به جهاد و کسب غنائم فراوان تحریک می‌کرد.^۳ در غیر این صورت، شهادت و کسب فیض الهی بود که پیوسته در گوش سربازان تکرار می‌شد.^۴ فتوحات، همچنین اعراب را از فکر ارتداد و اختلاف باز می‌داشت. در اوایل که هدف از فتوحات، جهاد و انگیزه‌های دنیوی بود، با گذشت زمان، بعضی از فرماندهان بدون توجه به پیشینه ایمانی و ریشه قبیله‌ای و صرفاً با توجه به شایستگی و توانایی در جهادگری و فتح سرزمین‌ها، به فتوحات روی آوردند. البته در همین زمان است که اسلام به دورترین مناطق ایران نفوذ پیدا می‌کند. در اوایل، گرایش به اسلام، بیشتر جنبه اقتصادی یا سیاسی داشت؛^۵ اما به مرور زمان، با آشنایی ایرانیان با اسلام، مناطق بسیاری با میل و رغبت به دین اسلام گرویدند.

1. Spuler.

۲. اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ص ۷.

۳. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۵۱.

۴. ابن اعثم، الفتوح، ج ۱، ص ۲۱۱.

۵. دینوری، الأخبار الطوال، ص ۱۲۰.

ب. فتوحات و تعیین فرماندهان و امیران آن

با بررسی فرماندهان جنگ‌ها و فتوحات، می‌توان به این نکته پی برد که خلفای نخستین، بیشتر این افراد را نه از صحابه بزرگ، بلکه از نسل دوم صحابه انتخاب می‌کردند. ابوبکر که به وفاداری انصار اطمینانی نداشت، برای رهبری لشکرهای مسلمان، بر اشرافیت قدیم مکه (مهاجرین) تکیه کرد. وی در جواب کسانی که می‌گفتند: چرا کسانی را که مؤلفهٔ قلوبهم هستند، بر سر کار می‌گماری و از علی، عباس، طلحه و زبیر استفاده نمی‌کنی؟ جواب می‌داد: هراس آن دارد که این افراد در شهرها پراکنده شده، فساد برپا کنند.^۱

جریان سقیفه و از صحنه راندن انصار، در امر فتوحات نیز تکرار شد. انگیزه و تصمیم قطعی ابوبکر در ردّ تقاضاهای عمر برای عزل یا حداقل سرزنش خالد بن ولید (م. ۲۱ق) برای اعمال ضد اسلامی‌اش، فقط به سبب اوصاف برتر نظامی او نبود؛ بلکه ابوبکر اعتماد داشت که رهبران مکه، همیشه با او همکاری خواهند کرد؛ چراکه احساس می‌نمود آنان از همه بیشتر از خلافت قریش که به نام اسلام باشد، سود خواهند برد. در بین کارگزاران ابوبکر و فرماندهان نظامی وی، چهره مهمی از اصحاب رسول خدا ﷺ، به‌ویژه از انصار دیده نمی‌شود. ابوبکر در جنگ‌های رده، از صحابه نخستین پیامبر ﷺ، تنها از شرحبیل بن حسنه (م. ۱۸ق) استفاده کرد.^۲

عمر نیز همانند ابوبکر، در اداره امور، بیشتر از نیروهای قریشی استفاده می‌کرد. از این رو، با وجود آنکه مثنی بن حارثه (م. ۱۴ق) قدرتی در عراق به هم زده و ظاهراً مورد اعتماد عمر نیز بود، خلیفه او را به فرماندهی در جنگ با ایرانیان منصوب نکرد. وی،

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۹-۳۰.

۲. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۰.

ابوعبیده ثقفی را که فرمانده‌ای از قبیله‌ای شناخته شده بود، به عراق اعزام کرد.^۱ شاهد دیگر در خصوص اعتقاد عمر در استفاده از نیروی قریش، ماجرای عتبه بن غزوان (م. ۱۸ق) و شکایت او از سعد بن ابی وقاص (م. ۵۴ق) قریشی است که با برخورد تند عمر مواجه شد.^۲ دوری با تبیین خلافت عمر نتیجه می‌گیرد که چون تمایز بین قریش و غیرقریش نشئت گرفته از سیاست‌های مالی عمر بود،^۳ همین سیاست باعث تحکم قریش بر مسند قدرت و انحصار ثروت در میان آنها و اعتراض قبایلی شد که بار عمده فتوحات و سختی‌هایش بر دوش آنان بود. چیزی که در این میان با اهمیت جلوه می‌کند، شخصیت تند و از نظر فکری افراطی خلیفه بود^۴ که در شیوه مدیریت امور سیاسی و اجرایی و اداره سرزمین ایران تأثیر بسیاری گذاشت. همین طرز تفکر، باعث شده بود در انتخاب فرمانداران و فرماندهان خود، معیار خشونت را در اولویت قرار دهد.^۵ این موضوع، اولویت عمر در انتخاب فرماندهان، به ویژه در امور مالی بود. وی همچنین، به شدت از رفاه‌گرایی عاملان حکومتی خود، جلوگیری می‌کرد؛ چنان که تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی عیاض بن غنم (م. ۲۰ق) در منطقه حکومتی خود،^۶ باعث عزل و تنزل شغل او تا حدّ چوپانی بود.^۷

۱. ابن اعثم، الفتوح، ج ۱، ص ۱۶۵؛ دینوری، الأخبار الطوال، ص ۱۱۳.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۳۰.

۳. الدوری، مقدمه فی تاریخ صدر الإسلام، ص ۵۰-۵۸.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵. ابن عبدربه، العقد الفرید، ج ۱، ص ۱۵.

۶. النمیری، تاریخ المدینة المنورة، ج ۳، ص ۸۱۷.

۷. همان؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷۸.

سیاست برتری مهاجر بر انصار و قریش بر غیرقریش، و در مجموع، برتری عرب بر عجم، توسط عثمان (۲۳-۳۵ق) نیز به خوبی اجرا شد؛^۱ اما تفاوت این دوره با زمان عمر، در وضعیت مراقبت و بازخواستی بود که عمر از اُمرا و فرماندهان انجام می‌داد و تأکید وی بر رعایت عدالت و انصاف، طی فرمان‌ها و نامه‌هایی که به آنها می‌نوشت؛^۲ درحالی که عثمان به آن پایبند نبود. با ضعف و سستی که عثمان از خود نشان داد، کار به دست بنی‌امیه^۳ دشمنان قدیم پیامبر افتاد و بدین گونه، انصار و سایر مسلمانان را نومید و تاحدودی ناراضی کرد.^۴

مشاوران عثمان، امویان و قریشیانی بودند که عمر به شدت ایشان را تحت نظر داشت و آنها را در سیاست و اداره امور کشور دخالت نمی‌داد؛ اما در زمان عثمان، اوضاع به کلی تغییر کرد. نتیجه دخالت آنان، به راندن انصار، فرزندان انصار و نومسلمانان از صحنه سیاست و خلافت منتهی شد. مودودی (م. ۱۳۹۹ق) ذیل عنوان «از خلافت راشدانه تا ملوکیت»، بحث را از سپردن ولایات مهم از سوی عثمان به خویشاوندانش آغاز می‌کند. به نظر مودودی، حکومت این عناصر که عمدتاً از طلقا^۵ به شمار می‌آمدند، تحمیل نوعی حکومت قبیله‌ای بر جامعه مسلمانان بوده است.^۶

۱. مسعودی، مروج الذهب ومعادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۳۲-۳۳۳.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۹۴-۱۹۶.

۳. دینوری، اخبار الطوال، ص ۱۳۹؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۵.

۴. رک: طبری، الرسل والملوک، ج ۳، ص ۳۳۷؛ ابن اثیر، الکامل، ج ۳، ص ۱۱۶؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۷، ص ۱۷۵.

۵. به کسانی همانند ابوسفیان، معاویه و عموماً اهل مکه گفته می‌شود که پس از فتح مکه، مسلمان شدند و سپس، رسول اکرم ﷺ آنها را آزاد کرد.

۶. مودودی، الخلافة والملک، ص ۶۳ به بعد.

از سیاست‌های عثمان که آسیب بسیاری به وحدت اقوام عرب وارد کرد، استفاده از نیروهای قیسی (شمالی) در مقابل یمانی‌ها (قحطانی‌ها) بود. عمر در دوره خلافت خود، مراقب بود که تعادل را بین این دو تیره حفظ کند؛ اما عثمان دست یمانی‌ها را از مناصب حکومتی کوتاه کرد و فقط بنی‌امیه را به حکومت شهرهای مهم فرستاد.^۱ سخنان نیش‌دار و پُر از سرزنش غیلان بن خرشه ضبی (م. ۱۱۷ق)، باعث شد عثمان، ابوموسی اشعری (م. ۵۲ق) را از حکومت بصره عزل نماید و عبدالله بن عامر (م. ۵۸ق) را حاکم آنجا کند.^۲ با سیاست‌های عثمان، دوران اعتلای خاندان امیه و حزب اشراف و اعیان مکه آغاز گردید؛ همان‌هایی که بر حسب ضرورت سیاسی، اسلام آورده بودند. عثمان، تمامی مشاغل دولتی را به اطرافیان و اقوام خود واگذار کرد. این واگذاری، جز تصاحب اراضی و ثروت‌اندوزی این طبقه، نتیجه دیگری در بر نداشت. ایجاد طبقه بزرگان و طبقه فئودالی، از نتایج سیاست‌های عثمان بود. این طبقه، بر اثر جنگ‌ها و سرازیر شدن غنایم، ثروتمند شدند و نه تنها صاحب اراضی در ممالک مفتوحه شدند، بلکه غنایم فراوانی نیز به دست آوردند.^۳ عثمان در نیمه نخست خلافت به دلیل بذل و بخشش‌های افراطی و با نرمش معمولی خود که شدیداً با خشونت و سختگیری‌های عمر مابینت داشت، توانست صحابه نخستین را آرام نگه دارد و مخالفتی جدی ایجاد نکند. علاوه‌براین، عثمان برخلاف عمر به قریشیان اجازه داد آزادانه در ولایات فتح‌شده جابه‌جا شوند؛^۴ اما تغییر پی‌درپی امیران و عاملان مناطق، ایجاد طبقه‌ای ثروتمند، گشودن سرزمین‌های تازه و ادامه یافتن گسترش

۱. طبری، الرسل والملوک، ج ۴، ص ۲۴۴.

۲. همو، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۲۶۴.

۳. پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۴۷.

۴. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۴۶.

نظامی، مهاجرت گسترده بدویان به عراق و ایران به امید دست یافتن به غنایم و صرفه‌جویی در مخارج حکومت، بحران اقتصادی سال‌های آخر خلافت عثمان را رقم زد.^۱ برای عثمان که با اقدام‌های خود باعث گرفتاری و شورش شده بود، راه‌حل فوری نجات از این اوضاع بغرنج، فرستادن معترضان و شورشگران به مرزهای خلافت برای جهاد با دشمن بود؛^۲ کاری که نتیجه‌ای جز قتل عثمان در پی نداشت.

با مرگ عثمان، مرکز خلافت از مدینه به کوفه که نیمی از مردم آن غیرعرب بودند، انتقال یافت. حضرت علی علیه السلام، برخلاف دیگر خلفا، میان اعراب یمنی و مسلمانان غیرعرب که موالی خوانده می‌شدند، هواخواهان بسیاری داشت.^۳ بروز ستیزه‌های خانگی در ایام خلافت امام علی علیه السلام، باعث آغاز کشمکش‌های داخلی در میان خود اعراب و به‌طور کلی در میان مسلمانان شد. غالب اعراب کوفه در اصل از مردم یمن بودند و موالی کوفه، جانب علی علیه السلام را گرفتند. با وجودی که مسلمانان بر موالی تحقیر روا می‌داشتند، اما به جهت مهارت‌های اینان، حضورشان در میان اعراب سودمند بود. بیشتر موالی در این مرحله، به مشاغل پستی اشتغال داشتند که عرب، انجام آنها را برای خود شرم‌آور می‌دانست. رفتار مهربانانه علی علیه السلام با موالی و برابر دانستن آنان با اعراب، باعث جلب علاقه موالی و البته خشم و گله‌مندی اعراب شد.^۴

علاوه‌برآن، امام علی علیه السلام در آغاز خلافت، کارگزاران اموی عثمان و وابستگانشان را از مناصب حکومتی برکنار کرد.^۵ مساواتی که خلیفه در دادن بیت‌المال به یکسان بین همه

۱. همو، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۵۱-۲۵۸ و ۲۶۹؛ بلاذری، فتوح البلدان، ج ۶، ص ۱۳۳، ۱۳۴ و ۲۰۸.

۲. ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۲، ص ۱۷۸-۱۷۹؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۲۳۷.

۳. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۸۴.

۴. همان، ج ۳، ص ۶۱؛ فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ص ۳۵-۳۶.

۵. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹.

مسلمانان رعایت می‌کرد، باعث ناخرسندی سران قبایل کوفه و بصره که سهام‌داران اصلی بیت‌المال بودند، شد؛^۱ همان قبایلی که در گذشته با ایجاد پادگان شهر و در دست‌گرفتن رهبری فتوحات، به قدرت‌هایی بی‌رقیب تبدیل شده بودند و نبض اقتصاد جامعه اسلامی را در دست داشتند.

عمر برای اداره سرزمین ایران و جلوگیری از تماس سپاهیان با مردم محلی و آماده نگه داشتن آنها برای مقابله با هر پیشامد ناگهانی و تأمین نظم داخلی، به تأسیس دو پادگان شهر بصره و کوفه دستور داد^۲ که به‌زودی به‌صورت مراکز ماندگاری و پایتخت‌های ایالتی درآمدند. در ابتدا کوفه برای ذخیره نیروهای تازه‌نفس ایجاد شد؛ اما رفته‌رفته تعداد مسلمانانی که با خانواده‌هایشان به این ناحیه مهاجرت می‌کردند، افزایش یافت. سعد به منظور کنترل اوضاع، جمعیت اعراب را در محله‌های شهر، بر اساس قبایل و نظام قبیله‌ای مستقر کرد.^۳ این نظام قبیله‌ای، برای فرمانداران که سران قبایل را به خدمت می‌گرفتند تا دستورهای ایشان را ابلاغ کنند و مراقب اجرا شدن آنها باشند، سودمند بود.^۴ فرماندهان، کار گردآوری خراج و تقسیم غنایم و خمس را آن‌که می‌بایستی برای خلیفه فرستاده می‌شد، خودشان انجام می‌دادند. به دلیل دوری مدینه از سرزمین اصلی ایران، به‌تدریج مرکز فرماندهی فتوحات و سپاهیان، به این دو شهر واگذار گردید.^۵ همین امر، سرآغاز رقابت بصره و کوفه در گرفتن سرزمین‌های تازه و گرفتن خراج بیشتر از مردم شد. خراج نهبوند (ماه‌البصره)، مختص اهل بصره بود و خراج دینور (ماه‌الکوفه)، صرف تأمین نیازهای

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۴۲۹-۴۳۰.

۲. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۰-۴۹۱.

۳. طبری، الرسل والملوک، ج ۴، ص ۷۹-۸۰.

۴. اربری و دیگران، تاریخ اسلام، پژوهشگاه دانشگاه کمبریج، ص ۱۱۲.

۵. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۷۹-۸۰.

اهل کوفه می‌شد. طبق معمول، در اداره امور این مناطق، از افرادی استفاده می‌شد که به نوعی وابسته به دستگاه خلافت بودند.^۱

ج. فتوحات و دهقانان

دهقان، معرّب واژه فارسی «دهگان» است که از دو واژه «ده» و «گان» تشکیل شده‌است. گان، پسوند نسبت است، منسوب به ده و در قدیم به ایرانی اصیل صاحب ملک و زمین، اعم از ده‌نشین و شهرنشین، اطلاق می‌شده است.^۲ لمبتون (م. ۲۰۰۸م)^۳ در باره کلمه دهقان می‌نویسد: کدخدا یا سرپرست ده که دارای زمین‌هایی بود و به‌عنوان محصل مالیات و مأمور وصول مالیات دیوان، انجام وظیفه می‌کرد.^۴ اینان از طبقات نجبا و اشرافی بودند که رابط و واسطی برای انتقال قدرت از شاه به رعیت و از این جهت که عهده‌دار جمع و جبايت خراج بودند، به‌منزله چرخ‌های ضروری دولت ساسانی به‌شمار می‌آمدند.^۵ در اثر حملات اعراب مسلمان و فتح ایران، شالوده اصلی این طبقه، همچون گذشته پابرجا و دست‌نخورده باقی ماند. از آنجاکه دهقانان، نقش مهمی در اداره امور محلی ایفا می‌کردند، در طول فتوحات، مسلمانان به دلیل نیازی که به این قشر از ایرانیان در اداره امور سرزمین‌های فتح‌شده و میزان درآمد و اراضی داشتند، به اهمیت همکاری با آنان پی برده، دهقانان را در مناصب قبلی خود باقی گذاشتند. در واقع، دهقانان برای حفظ منافع، حکومت و امتیازات و موقعیت طبقاتی خود، صلح را بر جنگ ترجیح دادند و از آنجاکه آنان هم دارای زمین و املاک بودند و هم تأمین‌کننده نیروی نظامی، از دست دادن ثروت و

۱. همان، ص ۸۴ - ۸۹.

۲. رک: معین، ۱۳۷۱، فرهنگ معین، ذیل واژه «دهقان».

3. Lambton.

۴. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ص ۷۷۸.

۵. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۳۲.

مکنت برای آنان بسیار مشکل می‌نمود.^۱ در این زمان، یک نیاز متقابل میان دهقانان و حاکمان به وجود آمد. آنها نماینده حکومت خلفا بین کشاورزان شدند و با تقسیم مالیات بین افراد آن شهر یا محل، مسئول ادای تعهدات پیمان‌نامه‌ها شدند. کار عمده آنان، جمع‌آوری خراج از دیه‌ها و قریه‌ها و تحویل آن به بیت‌المال یا نماینده مسلمانان بود و معمولاً آنها این کار را با دقت و اطمینان بهتر و بیشتری نسبت به اعراب انجام می‌دادند؛^۲ اما همین توجهات و دادن امتیازات به این گروه، باعث نارضایتی قبایل عرب و اعتراض و انتقاد به خلفا شد.^۳ البته این انتقادات، از توجه خلفا به این گروه نکاست. بر اساس گزارش منابع اسلامی، چون عمر سواد^۴ را فتح نمود، مردمان سواد را بر سرزمین‌های خویش باقی گذاشت و بر هر شخص جزیه مقرر نمود و بر زمین نیز خراج نهاد. وی آنها را تقسیم نکرد و به صاحبان اراضی دستور داد که خراج را جمع‌آوری کنند. این اقدام عمر، تأثیر بسزایی در روند تصرف سایر سرزمین‌ها بر جای گذاشت.^۵

حفظ موقعیت اجتماعی و پرهیز از تحقیر و کسر شأنی که با دادن جزیه بر دهقانان تحمیل می‌شد، باعث شد که آنها قبل از دیگر گروه‌ها به اسلام روی بیاورند و در مناطقی

۱. طبری، *الرسول والملوک*، ج ۳، ص ۳۴۳-۳۴۴.

۲. همو، *تاریخ الأمم والملوک*، ج ۳، ص ۵۸۶.

۳. همان، ص ۲۶۳-۲۶۴.

۴. سواد، نامی است که برای جنوب عراق به کار برده می‌شد و از شش ناحیه تشکیل شده بود. این کلمه، به معنای «زمین سیاه» است و دلیل آن، حاصلخیزی و سرسبزی بسیار این منطقه از نظر درختان و زمین‌های کاشته شده بود؛ برخلاف صحرای بی‌آب و علف عربستان. این ناحیه، در زمان عمر به دست مسلمانان فتح شد (حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۲۷۲).

۵. طبری، *الرسول والملوک*، ج ۳، ص ۲۶-۲۶۴.

چون سواد و خراسان، پیشگامان تغییر کیش شوند. در واقع، دهقانان نخستین کسانی بودند که بیش از هر کسی، متوجه این موضوع شدند که در پرتو پذیرش دین اسلام، می‌توانند تسلط خود را بر رعایای زمین‌های تحت حاکمیت خود اعمال کنند و به این ترتیب، به اتفاق اشراف عرب، طبقه جدیدی از اشرافیت را در ایران به‌وجود آوردند.^۱ البته با وجود پذیرش دین اسلام، با توجه به قوانین اسلام که جزیه از نومسلمانان برداشته می‌شد، دهقانان، راضی به اسلام آوردن رعایا نبودند؛ زیرا میزان درآمدها کاهش پیدا می‌کرد. از آن‌رو که امور کشاورزان از طریق دهقانان (اربابان زمین) رسیدگی می‌شد، کشاورزان جزء آخرین گروه‌های اجتماعی بودند که با اعراب تماس پیدا کردند.^۲ همین امر، آشنایی آنان با دین اسلام را به تأخیر انداخت و به‌علت سختگیری دهقانان در امر ستاندن خراج، ارتباط آنان با دین اسلام به‌کندی صورت گرفت. دهقانانی که از همکاری با اعراب خودداری ورزیدند و مقاومت را ترجیح دادند، یا مجبور به فرار شدند یا جان خود را از دست دادند.^۳

د. پیامدهای اجتماعی فتوحات در مناطق مفتوحه

با فتح ایران و ورود اعراب و خانواده‌هایشان، چه از نظر نژادی و چه از نظر اجتماعی، تحولات عظیمی در جامعه ایران و جامعه اسلامی پدید آمد. اعراب که آداب و رسوم خشک قبیله‌ای داشتند، اکنون به‌اجبار با زندگی اجتماعی و اشرافی جدیدی در مناطق مفتوحه مواجه شدند که تأثیر بسیاری بر زندگی آنها گذاشت. در همان قرن اول هجری، اطراف همدان، اصفهان و فارس محل توجه قوم عرب شد. قم، کاشان، آذربایجان و خراسان به سبب تناسب اقلیم و توافق با طبع بدوی، مورد توجه و سکونت این کوچ‌نشین‌ها گشت. اعراب در این کوچ‌نشین‌ها به تدریج صاحب ملک و دارایی شدند و با

۱. مفتخری و زمانی، تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان، ص ۴۱.

۲. کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۳۲.

۳. طبری، الرسل والملوک، ج ۴، ص ۳۴ و ۳۵؛ حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۵-۴۵۵.

اهالی ارتباط و معاشرت پیدا کردند و از راه تعدد زوجات و کثرت اولاد، قدرت و عدت نیز به دست آوردند.^۱ از دلایل قدرت اعراب در مناطق فتح شده در اوایل فتوحات، تعصبات قبیله‌ای و حمایت عربی، قبل از بروز اختلافات دیرینه قومی بود.^۲ همین ارتباطات دوجانبه، باعث بروز نوعی دوگانگی فرهنگی در بیشتر بلاد مفتوحه شد. چنین به نظر می‌رسد که جامعه ایرانی به علت پذیرش امواج تفکر اسلامی و دوری از برخی عناصر فرهنگی گذشته از یک سو، و کسب نکردن هویت فرهنگی جدید، با وجود افزایش تعداد نومسلمانان ایرانی از سوی دیگر، دچار ازهم‌پاشیدگی اجتماعی شده بود.^۳ عمر نیز که تعصبات شدید عربی داشت، تمایلی به ارتباطات اجتماعی میان دوگروه از خود نشان نمی‌داد. راهی که به فکر عمر رسید، این بود که اعراب را از تقلید و عجمی شدن بازدارد. بسیاری از دستورات تبعیض آمیز عمر در مورد ایرانیان، چون: برتری عنصر عربی فاتح، پرهیز از آمیختگی اعراب با ایرانیان، ممنوعیت ورود علوج^۴ به مدینه، نهی از ازدواج زنان عرب با غیرعرب، عدم آزار و تحقیر عرب‌ها توسط حکام و فرماندهان و نیز ممنوعیت پوشش لباس شبیه عجمان، همگی از سیاست‌های فرهنگی عمر بود. عمر دستور داد کسی حق سخن گفتن به زبانی غیر از عربی ندارد.^۵

دستورات عمر شاید در حوزه حجاز و به خصوص مدینه، لازم‌الاجراء بود، اما در ایران، به جهت روابط دوطرفه و روند جدایی عرب‌های مسلمان از ایرانیان، با توجه به ارتباطات

۱. طبری، *الرسول والملوک*، ج ۴، ص ۱۴۷ و ۱۴۸.

۲. زرین کوب، *تاریخ مردم ایران*، ج ۲، ص ۲۹.

۳. مفتخری، *تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان*، ص ۷.

۴. به مردان قوی هیکل کفار، «عجم علوج» گفته می‌شد و گاهی نیز عرب‌ها به همه کفار، علوج می‌گفتند (ابن خلدون، *مقدمه ابن خلدون*، ج ۱، ص ۲۸۴).

۵. الصنعانی، *المصنف*، ج ۵، ص ۴۹۶-۴۹۷.

دوجانبه گروه غالب و مغلوب و مهاجرت و اسکان اعراب مسلمان در ایران، نمی‌توانست چندان ادامه پیدا کند؛ زیرا از نتایج فتوحات، مهاجرت اعراب و ایجاد کوچ‌نشین‌ها و شهرهای عربی در مناطق مفتوحه بود. عمر، سیاست اجرایی خود را در توسعه فتوحات متمرکز کرد و قبایل بسیاری از جزیره‌العرب را به شام و عراق کوچ داد. اولین گام برای تبلیغ و نشر دین اسلام، بنای شهرهای نوین و مساجد در مناطق فتح‌شده و سکونت و حضور و استقرار عده‌ای از صحابه و تابعین و سپس احاد مسلمانان در این مناطق بود.^۱ این افراد، ابتدا در شهرهای نوین کوفه و بصره استقرار یافتند و طی فتوحات، به سایر مناطق ایران وارد شدند. حضور عبدالله بن مسعود (م. ۳۲ق) در کوفه به دستور عمر، به همین منظور انجام شد.^۲ گزارش‌هایی از حضور تعدادی صحابه در سایر شهرها، از جمله اصفهان^۳ و سیستان^۴ در منابع آمده است.

یکی از راه‌های کاهش اعتراض‌های مسلمانان علیه خلیفه در عهد عثمان، تشویق اعراب به ادامه فتوحات بیشتر در نقاط دوردست بود. این پیش‌روی‌های سریع در کشوری بیگانه، دشواری‌هایی برای اعراب به‌وجود آورد. عمر و عثمان، همان‌طور که گفته شد، برای رفع این مشکل، به تأسیس شهرهایی با محوریت عربی دست زدند. استقرار قبیله‌های عرب و مهاجرت آنها، در تثبیت موقعیت خلافت اسلامی و تسلط آنان بر شهرها و نواحی مفتوحه نقش بسزایی داشت. این شیوه، به‌عنوان یک سیاست نظامی در تثبیت فتوحات و توسعه آنان توسط دیگر خلفا و فرماندهان اسلام به‌کارگرفته شد. اعراب در آذربایجان به منظور گسترش اسلام، زمین‌های فراوانی خریداری نمودند و سکونت خود را در آنجا آغاز

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.

۲. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۱۳۹.

۳. ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، صفحات متعدد.

۴. مؤلف مجهول، تاریخ سیستان، ص ۸۳.

کردند. همین امر، سبب ایجاد شهرهای اصیل عربی در این منطقه شد. تعداد اعرابی که به آذربایجان مهاجرت کردند، آن قدر زیاد بود که اشعث بن قیس (م. ۴۰ ق) زمانی که به عنوان والی آذربایجان به این شهر وارد شد، مشاهده کرد که بیشتر اهالی آن مسلمان شده‌اند و می‌توانند به راحتی قرآن بخوانند.^۱ خود اشعث در اوایل خلافت علی علیه السلام که فرماندار آذربایجان بود، جماعت بزرگی از قبایل یمنی را به آذربایجان کوچاند و در آنجا اسکان داد.^۲

اما قبایل عرب بیشتر در: قومس، خراسان و سیستان به واسطه جاذبه اقلیمی این نواحی که با طرز معیشت و روحیه عرب موافق بود، در ایجاد کوچ‌نشین‌ها و سازگاری با شرایط محیطی، موفق‌تر عمل کردند. بیشتر این مهاجران، از اهالی بصره بودند. در همین دوره بود که شمار بسیاری از اعراب به صورت قبیله‌ای به شرق ایران، به ویژه خراسان، مهاجرت کردند. هدف آنها از این سکونت، ادامه جنگ با کفار در نقاط دوردست شرقی و استفاده از امکانات مالی موجود در این مناطق بود.^۳ در دوران امام علی علیه السلام، گرچه سربازان مسلمان و خانواده‌هایشان سکونت در شهرهای اصلی تحت معاهده را آغاز کردند، اما درحقیقت، سراسر ایالت خراسان، از لحاظ سیاسی و جمعیتی تحت سلطه کامل و مطمئن اعراب قرار نداشت. نقش حکام عربی که بر نواحی شرقی گماشته می‌شدند، در این زمان، تنها به عنوان عامل گردآورنده خراج بود.^۴ تعصب و اختلاف دیرینه‌ای که از دیرباز میان اعراب

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۲۹؛ ابن اعثم، الفتوح، ج ۲، ص ۳۴۶.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۲۰-۳۲۱.

۳. ابن خلدون، دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، ج ۲، ص ۵۶۲.

۴. گرشاسپ چوکسی، ستیز و سازش؛ زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی، ص ۴۱.

قحطانی و عدنانی وجود داشت، در میان این مهاجران نیز همچنان به چشم می‌خورد. آنها اختلافات سیاسی و قبیله‌ای مرسوم میان خود را به‌خصوص به خراسان آورده بودند که ظاهراً بعدها در دوره عباسیان (۱۳۲-۵۶۶ق)، موجب اتحاد برخی گروه‌های عرب با گروه‌های بومی در ضدیت با اتحادهای مشابه دیگر گردید. با وجود مهاجرت‌های گسترده، اعراب هرگز نتوانستند کوچ‌نشین‌های عمده‌ای در ایران ایجاد کنند؛ زیرا طبع آنها مگر در مرکز و جنوب ایران، با شرایط اقلیمی دیگر نقاط این سرزمین سازگاری نداشت. مهاجرت اعراب، با اینکه مشکلات اقتصادی و اجتماعی آن روز جزیره‌العرب را تا حدی هموار ساخت، اما از طرفی، باعث برهم‌خوردن ترکیب جمعیتی بعضی مناطق ایران شد.^۱ آنچه در مقوله تحولات فرهنگی ایران پس از اسلام مطرح می‌شود، عدم پذیرش عمومی معیارهای هویتی فرهنگ قوم غالب از جانب ایرانیان است. ایرانیان، مهاجمان را به دیوان و یا اهریمن تشبیه می‌کردند.^۲ بنابراین، اهمیت وضع مقررات اساسی نوین از نظر حقوقی برای روابط میان اعراب مسلمان و ملل شکست‌خورده، ضروری بود. یکی از راه‌هایی که به فکر عمر رسید، حمایت از اشراف و دهقانان ایرانی با دادن «عطا» به منظور نزدیک کردن مردم ایران با اعراب مسلمان بود؛ اما عمر در رسیدن به این هدف، چندان موفق عمل نکرد؛ زیرا هنگامی که نخستین ساکنان عرب به سرزمین‌هایی که به‌تازگی تسخیر می‌شد، نقل مکان می‌کردند، اغلب قبیله‌ای عرب جانشین قبیله‌ای دیگر می‌شد. این امر، تا مدت‌ها فرصت برقراری ارتباط مسلمانان و زرتشتیان را با یکدیگر محدود می‌کرد. علاوه بر این، در پذیرش ساکنان عرب، همه ایران یک‌دست رفتار نمی‌کردند. در سراسر فارس، ستیز و عدم همکاری و جدایی میان اجتماع مسلمانان و زرتشتیان وجود داشت.

۱. دهقان‌پور و بیات، «پیامدهای اجتماعی مهاجرت قبایل عرب به ایران»، تاریخ و تمدن اسلامی،

ش ۱۴، ص ۱۰.

۲. مؤلف مجهول، تاریخ سیستان، ص ۸۲.

آعراب نیز با توجه به اختلافات همیشگی میان خود، نتوانستند اتحادی موفق در برابر ایرانیان ایجاد کنند.^۱

۲. اقدام‌های خلفا در امر فتوحات و تأثیرهای اقتصادی آن بر جامعه غالب و مغلوب

الف. اراضی و املاک مناطق مفتوحه

با فتح سواد و ایران، زمین‌های بسیاری به سلطه مسلمانان درآمد. در مسئله اراضی، البته توقع عرب فاتح آن بود که آنچه را فتح کرده‌اند، بین خود تقسیم نمایند. عمر متوجه این امر بود که زمین باید کشت شود و ممکن نبود عرب بدوی را یکروزه به کشاورز تبدیل کرد. بنابراین، زمین‌ها را در دست مالکان سابق گذاشت و تنها اهالی را موظف به دادن خراج کرد.^۲ شاید عمر در آغاز چندان با این کار مخالف نبود؛ اما به جهت رعایت ملاحظات و مصالح نظامی و دینی و در مشورتی که با امام علی علیه السلام داشت، از این کار صرف‌نظر کرد.^۳ امام علی علیه السلام خراج زمین‌های مفتوحة العنوه (فتح به جنگ) را در زمان عمر چنین وضع کرد: ۴۸ درهم برای اغنیا، ۲۴ درهم برای افراد متوسط و ۱۲ درهم برای فقرا. عمر این پیشنهاد را پذیرفت و بر همین اساس عمل کرد. خود امام نیز در دوران خلافتش همین شیوه تقسیم خراج را به کار برد.^۴ بر همین اساس، در فتح اُبله^۵ به دست عتبه بن غزوان (م. ۱۷ق)، عمر دستور داد اسرا را که بیشتر کشاورز بودند، آزاد کنند؛ چراکه معتقد بود مسلمانان توان کار کردن بر روی زمین را ندارند.^۶ همچنین، اگر اراضی سواد بین

۱. یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۳-۱۵۴.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۶۱.

۳. ابویوسف، الخراج، ص ۴۸.

۴. شیخ حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ همان، ج ۱۵، ص ۱۵۳.

۵. شهری آباد در کناره رود دجله در سمت شمال بصره قرار دارد (مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم، ص ۱۱۸).

۶. دینوری، الاخبار الطوال، ص ۱۲۳.

جنگجویان تقسیم می‌شد و آنها در عراق می‌ماندند، ادامه فتوحات و دفاع از آن - که لازمه‌اش وجود قوای آماده برای جنگ بود - دیگر امکان نداشت و قدرت ضربتی سپاه که همه چیز بدان بستگی داشت، لطمه می‌خورد. تقسیم زمین در بین فاتحان، مانع از وصول درآمد مستمری می‌شد که در آینده برای تقسیم بین مستحقان مسلمین پیش می‌آمد.^۱ علاوه بر آن، نظام دیوانی و مالی سواد باعث آبادانی آنجا گشته بود و سالیانه وصول خراجی هنگفت را میسر می‌ساخت و نظام آبیاری و شیوه تقسیم آب بین کشاورزان که با نظم و ترتیبی دقیق سامان یافته بود، خواه‌ناخواه این نگرانی را در خلیفه به وجود می‌آورد که در صورت تقسیم اراضی بین اعراب ناآشنا با چنان نظم و ترتیبی، گذشته از اینکه دولت نوپیا را از چنان عایداتی محروم می‌ساخت، موجب می‌گردید اعراب، هم بر سر تقسیم آب به جان هم بیفتند، هم آن سرزمین آباد را به ویرانی کشند و هم با اختلاف و جنگ و ستیز با یکدیگر به تباهی کشیده شوند و از کار جهاد و جنگ باز مانند همه این موارد، از عوامل مهم عدم تقسیم اراضی سواد به شمار می‌رفت.^۲ سعی عمر بر آن بود تا با حفظ وحدت اعراب، مسلمانان را از درگیر شدن با افراد بومی، حتی در مورد اراضی که مسلمانان تصرف کرده بودند، پرهیز دهد.^۳

ب. فتوحات و منابع درآمد مسلمانان

وقتی نخستین رقم بزرگ درآمد از فتوحات منطقه حیره^۴ به مدینه رسید، مسلمانان هرگز چنان مالی به خود ندیده بودند. درآمدهای ناشی از خراج سرزمین‌های مفتوحه، املاک خالصه، زکات، خمس، جزیه و مالیات سرانه، خزانه عمومی مسلمانان (بیت‌المال) را

۱. زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۲، ص ۵۰-۵۱.

۲. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران، ج ۳، ص ۹۵.

۳. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۸۴.

۴. حیره، شهری بود نزدیک کوفه، و پایتخت ملوک عرب از طایفه بنی لخم که نعمان بن امرء القیس قصر معروف خورنق را آنجا ساخت (قزوینی، آثار البلاد و أخبار العباد، ص ۲۴۱).

غنی کرده بود. از این میان، خراج و جزیه‌ای که بر غیرمسلمانان وضع می‌شد، اهمیت بیشتری داشت. خراجی را که مسلمانان از اراضی مفتوحه می‌گرفتند، در ابتدا موارد خاصی را شامل می‌شد. روستاییان نیز سعی می‌کردند، محصولاتی کشت کنند که مشمول خراج نشوند. این نکته، سبب معافیت قسمتی از اراضی سواد از مالیات و کاهش درآمد بیت‌المال شد. در سال ۲۲ق، مغیره بن شعبه (مرگ بین ۴۸ - ۵۱ ق)، حاکم کوفه، عمر را متوجه این موضوع کرد.^۱ برای این منظور، عمّر هیئت‌هایی را برای تحقیق راجع به مساحت و تعداد مزارع و املاک، به عراق و ایران فرستاد. همین امر، موجب وضع مقررات تازه‌ای در باب مالیات بر همه محصولات و اراضی شد که اهالی عمداً و برای آمادگی کشت جدید، آنها را رها می‌کردند.^۲ کارگزارانی که از سوی خلیفه به مناطق اعزام می‌شدند، چندان در مورد مالیات به گزاره‌های اسلامی پایبند نبودند و خود غالباً در مبلغ و مقدار خراج تصرف می‌کردند و بر آن می‌افزودند و حتی از محصولاتی دیگر که مشمول خراج نبودند، خراج می‌گرفتند؛ حتی خود خلفا نیز هر جا لازم بود، از تصرف در مبلغ خراج خودداری نمی‌کردند.^۳

جزیه، یکی دیگر از احکام اسلامی بود که بر جمعیت بومی هر محل بدون فرق‌گذاری از لحاظ دین و نژاد، تحمیل می‌شد. مقادیر جزیه، بستگی به شرایط تسلیم، اختیارات هر یک از فرماندهان عرب و ثروت گروه تحت سلطه، تفاوت بسیاری داشت.^۴ در یک متن زردشتی با شکایت از مالیات غیرمنصفانه چنین گزارش می‌دهد: «مسلمانان عرب، مالیات سرانه‌ای تعیین کردند و به ایرانیان اختصاص دادند. آنان باز بی‌رحمانه مبلغ زیادی می‌خواهند.»^۵

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۱۶۵.

۲. قدامة بن جعفر، الخراج وصناعة الكتاب، ص ۳۶۶.

۳. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران، ج ۳، ص ۲۴۹.

۴. ابن اعثم، الفتوح، ج ۱، ص ۱۶۵.

۵. گرشاسپ چوکسی، ستیز و سازش؛ زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی، ص ۱۴۰.

این حجم از درآمد، لزوم ثبت و ضبط اسامی حقوق‌بگیران و شیوه اداره آن را ایجاب می‌کرد. عمر که معتقد بود اموال بیت‌المال، مال شخصی او نیست، بلکه اموال خداوند است که در اختیار او قرار گرفته است و نمی‌تواند هرگونه خواست در آنها دخل و تصرف کند،^۱ به ایجاد دفتر و مقرری برای مسلمانان دستور داد. بدین سان، نظام مالی و دیوانی ایرانی، مورد استفاده مسلمانان قرار گرفت.^۲ اثر آبی و فوری که از این اقدام در نظر بوده، این بود که با حفظ وضع موجود، از آشفتگی امر خراج و کاهش عایدات که رکن اصلی و استخوان‌بندی هر دولت است، جلوگیری شود؛ اما ایجاد دیوان گرچه در کوتاه‌مدت بسیاری از مشکلات عرب‌ها را رفع نمود، اما چون در ثبت‌نام و رقم درآمد برای افراد، آینده‌نگری صورت نگرفت، در درازمدت باعث واردآمدن آسیب‌ها و بروز مشکلاتی اساسی در نظام اجتماعی و اقتصادی مسلمانان، به‌ویژه در دوره عثمان شد؛ زیرا در زمان عثمان، سیاست‌های عمر در مورد اراضی به‌کلی فراموش گردید و بسیاری از این اراضی، به نزدیکان خلیفه واگذار شد.^۳ وی نخستین خلیفه‌ای بود که چنین بخشش‌هایی می‌کرد. پیامدهای سیاست عثمان درباره دادن املاک خالصه، زمین‌های شاهی و حکومتی به نزدیکان خویش - که در سرزمین‌های مفتوحه به تصرف درآورده بود - وخیم بود. این زمین‌ها همان‌طور که گفته شد، در زمان عمر بین فاتحان تقسیم نشد و در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفت؛ اما در دوره عثمان، به‌فیء دائم تبدیل شد؛ یعنی به اموال عمومی در جهت مصالح شهرهای نظامی که در این زمین‌ها واقع شده بود، تبدیل گردید. عثمان چگونگی استفاده و شیوه دخل و تصرف در این زمین‌ها را در اختیار خلیفه خدا می‌دانست؛ اما او بر اساس قوانین اسلام نمی‌توانست ملک شخصی در عراق و حتی ادعای مالکیت

۱. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۷۵-۲۷۶.

۲. ابن‌خردادبه، المسالک والممالک، ص ۱۴.

۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۴؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۷۳-۲۷۴.

سهمی شخصی از فتوحات خالصه داشته باشد؛ زیرا در فتوحات شرکت نکرده بود؛ ولی عثمان در عمل، زمین‌های شاهی را به اختیار خود، به دیگران واگذار می‌کرد یا می‌فروخت.^۱ بهره‌برداری از محصول این اراضی در بیرون از حجاز، برای مسلمانان دشوار بود؛ زیرا یا باید خود بر روی زمین‌ها کار می‌کردند یا برای برداشت محصولات به آنجا سفر می‌نمودند و این، باعث می‌شد افراد بسیاری در مناطق فتح شده تجمع نمایند. پیشنهاد عثمان، آن بود که مسلمانان زمین‌ها را با سهمیه کسانی که در حجاز، یمن یا جاهای دیگر داشتند، مبادله کنند. مردم مدینه از این فکر استقبال کردند؛ زیرا در این صورت، هر کس زمینی را که به او نزدیک‌تر بود، تصرف می‌کرد.^۲ این کار، باعث انتقال مالکیت زمین‌های فیه به عده‌ای خاص و به وجود آمدن طبقه‌ای از مالکان بزرگ در حجاز شد؛ در صورتی که عموم مردم از چنین امکاناتی برخوردار نبودند و این روند، به مرور زمان، موجب برانگیختن اعتراض‌هایی در جامعه اسلامی شد و یکی از عوامل اصلی شورش علیه عثمان به شمار می‌رود.^۳

با وجود روشی که عثمان در پیش گرفته بود، اما خلیفه بعد از وی، امام علی علیه السلام، اموال را به طور مساوی در میان همه آنان که ذی‌حق بودند، تقسیم کرد. او غنایم و بیت‌المال را از انحصار اشراف درآورد و به طور مساوی بین تمامی مسلمانان تقسیم نمود. در حکومت وی، تمامی مسلمانان، چه آنهایی که سابقه‌ای طولانی در اسلام داشتند و چه آنان که به تازگی مسلمان شده بودند، بدون لحاظ تعصبات قومی و قبیله‌ای، بهره‌ای یکسان از بیت‌المال می‌بردند.^۴ رویکرد امام علی علیه السلام به فتوحات، با دیگر خلفا متفاوت بود. با توجه

۱. ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۷۸۴.

۳. ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۲، ص ۳۸۶.

۴. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۴، ص ۴۳۱.

به اینکه خراج در نتیجه توسعه کشاورزی به دست می‌آید، امام علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر (م. ۳۹ق) دستور می‌دهد که اولویت را بر آبادانی سرزمین قرار دهد؛ نه گردآوری خراج. «بیش از تحصیل خراج، در اندیشه آبادی زمین باشی که خراج حاصل نشود، مگر به آبادانی زمین و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد، مگر اندکی.»^۱ بر اساس همین دستورهاست که لمبتون، رویکرد امام علی علیه السلام به گردآوری خراج را نمونه‌ای از نگرش اخلاقی اسلام به حکومت در جامعه‌ای متشکل از کشاورزان و چادرنشینان می‌داند.^۲

نتیجه

بررسی روند تاریخی تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عصر فتوحات، آثار و نتایج بسیاری را نشان می‌دهد. با اینکه فتوحات نتایج مثبت و ارزنده‌ای برای هر دو گروه غالب و مغلوب داشت، اما آسیب‌هایی نیز به پیکره هر دو اجتماع وارد آورد. این تفاوت را می‌توان در سیاست‌های خلفا در مورد اداره ایران، تقسیم یا عدم تقسیم اراضی، مقدار خراج و جزیه، رفتار با اسیران و... مشاهده کرد. خلفای نخستین، بیشتر فرماندهان فتوحات را نه از صحابه بزرگ، بلکه از نسل دوم صحابه انتخاب می‌کردند. تکیه ابوبکر بر اشرافیت قدیم مکه و تکیه عمر بر نیروهای قریشی در اداره امور، باعث به حاشیه رانده شدن انصار و صحابه بزرگ شد. وسعت امپراتوری اسلامی با مردمانی از نژادها و فرهنگ‌های متفاوت و سازمان‌دهی این تشکیلات بر اساس هویت عربی - اسلامی، عدم استفاده از ایرانیان در حکومت‌داری به جهت تمایل‌های ضد ایرانی عمر، ایجاد و تأسیس پایگاه‌های نظامی بصره و کوفه و به تبع آن نابودی تدریجی حیره و از دست رفتن اهمیت این شهر در

۱. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. لمبتون، مالک و زارع در ایران، ص ۱۷.

صحنه سیاست و اقتصاد، تشدید فتوحات و رقابت اعراب در تصاحب سرزمین‌ها و اراضی، ظلم و ستم مضاعف به کشاورزان، ایجاد دیوان و عدم آینده‌نگری در ثبت‌نام و رقم درآمد برای افراد و وارد آمدن آسیب‌های اساسی به نظام اجتماعی و اقتصادی مسلمانان، از آسیب‌های سیاست‌های عمر در امر فتوحات بود.

تغییر سیاست تقسیم اراضی مزروعی در دوره خلافت عثمان و دادن املاک خالصه و حکومتی به نزدیکان خویش، مصادره زمین‌ها به بهانه‌های گوناگون، تبدیل روستاییان به رعایای نیمه‌برده، پدید آمدن دسته‌ای از مالکان بزرگ در حجاز، برانگیختن اعتراض‌ها در جامعه اسلامی و شورش علیه خلیفه، از آسیب‌های سیاست‌های عثمان بود.

عدم تلاش کافی مسلمانان برای شناساندن دین اسلام به مردم مناطق مفتوحه پیش از حمله و هجوم، اسارت مردم، لشکرکشی‌های مداوم اعراب به منظور دراختیارگرفتن برده، تحریک مردم شهرها و دهات به سوی برده‌داری، مسئله نگهداری اسرای جنگی، مهاجرت اعراب به ایران و ایجاد کوچ‌نشین‌ها و شهرهای عربی در مناطق مفتوحه، بروز نوعی دوگانگی فرهنگی میان مسلمانان و ایرانیان در اثر ارتباطات دوجانبه، بروز تعصبات قبیله‌ای و اختلاف‌های دیرینه اعراب قحطانی و عدنانی در میان مهاجران، عدم پذیرش عمومی معیارهای هویتی فرهنگ قوم غالب از جانب ایرانیان، ناخوشایندی مجاورت با اعراب و مهاجرت ایرانیان از آن نواحی، به هم خوردن تعادل اجتماع مسلمانان، دنیاگرایی اعراب پس از دیدن غنایم، شکل‌گیری طبقه اشراف و وابستگی زندگی مردم به عطایا، از دیگر آثار و نتایج سیاست‌ها و اقدام‌های خلفای راشدین در خصوص فتوحات بود.

منابع

الف. کتاب

۱. ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دار الکتب العربیة.
۲. ابن‌الأثیر، أبو‌الحسن علی‌بن‌عبدالواحد الشیبانی، ۱۹۹۷م، الکامل فی‌التاریخ، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دار الکتب العربی.
۳. ابن‌اعثم، احمد، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م، الفتوح، بیروت، دار الاضواء.
۴. ابن‌خردادزبه، ۱۸۸۹م، المسالک والممالک، بیروت، دار صادر، افست لیدن.
۵. ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن‌محمد، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م، دیوان‌المبتدأ والخبر فی‌تاریخ العرب والبربر ومن‌عاصرهم من‌ذوی‌الشأن‌الاکبر، تحقیق: خلیل شحاده، بیروت، دار الفکر.
۶. —، ۱۳۷۵، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه: محمد پروین‌گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، الطبقات‌الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۸. ابن‌شبه‌النمیری، ابوزیدعمر، ۱۴۱۰ق، تاریخ‌المدينة‌المنورة، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم، دار الفکر.
۹. ابن‌عبدربه، ۱۳۸۴ق، العقد‌الفرد، ج ۱، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۰. ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر، ۱۴۱۱ق، البدایة‌والنهاية، تحقیق: عبدالله‌بن‌انیس، بیروت، مکتبة‌المعارف.
۱۱. ابونعیم، احمدبن‌عبدالله، ۱۴۱۰ق، ذکر‌اخبار‌اصبهان، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
۱۲. ابویوسف، یعقوب‌بن‌ابراهیم، ۱۴۲۰ق، الخراج، تحقیق: طه عبدالرؤف سعد و سعد حسن محمد، بی‌جا، مکتبة‌الأزهریة‌للتراث.
۱۳. اربری و دیگران، ۱۳۸۸، تاریخ‌اسلام، پژوهشگاه‌دانشگاه‌کمریج، ترجمه: احمد آرام، تهران، امیرکبیر.

۱۴. اشپولر، برتولد، ۱۳۷۹، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۱، ترجمه: جواد فلاطوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. —، ۱۳۹۱، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ج ۲، ترجمه: مریم میراحمدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. الدوری، عبدالعزیز، ۲۰۰۷م، مقدمه فی تاریخ صدر الإسلام، تهران، مرکز دراسات الوحدة العربية.
۱۷. الصنعانی، عبدالرزاق، ۱۳۹۲ق، المصنف، ج ۷، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت، بی نا.
۱۸. المودودی، ابوالاعلیٰ، ۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م، الخلافة والملک، کویت، دار القلم.
۱۹. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، ۱۹۸۸م، فتوح البلدان، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۲۰. پطروشفسکی، ایلیا پاولیچ، ۱۳۶۳، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام.
۲۱. حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، ۱۹۹۵م، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.
۲۲. خدوری، مجید و لیبسنی، هربرت. ج. ۱۳۳۶، حقوق در اسلام، ترجمه: زین العابدین رهنما، تهران، اقبال.
۲۳. دینوری، ابن قتیبه، ۱۴۱۸ق، عیون الأخبار، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۲۴. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، ۱۳۶۸، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی.
۲۵. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۰، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر.
۲۶. —، ۱۳۸۴، بامداد اسلام، تهران، امیرکبیر.
۲۷. —، ۱۳۸۶، تاریخ مردم ایران، ج ۲، تهران، امیرکبیر.
۲۸. سید رضی، ۱۳۷۶، نهج البلاغه، ترجمه: جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۹. شیخ حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، تفصیل وسائل الشیعة، قم، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

۳۰. فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۶۳، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش.
۳۱. قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱م، *الخراج وصناعة الكتاب*، بغداد، دار الرشید للنشر.
۳۲. قزوینی، زکریا بن محمد، ۱۳۷۳، *آثار البلاد وأخبار العباد*، تهران، امیرکبیر.
۳۳. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت، دار التراث.
۳۴. —، ۱۹۶۰م، *تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، مصر، دار المعارف.
۳۵. کریستین سن، آرتور، ۱۳۷۶، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر.
۳۶. گرشاسپ چوکسی، جمشید، ۱۳۸۱، *سنتیروسازش؛ زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی*، ترجمه: نادر میرسعیدی، تهران، انتشارات ققنوس.
۳۷. گلدزیهر، ۱۳۵۷، *درس‌هایی درباره اسلام*، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران، نشر کمانگیر.
۳۸. لمبتون، ا. ک. س، ۱۳۶۲، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۹. مادلونگ، ویلفرد، ۱۳۸۸، *جانشینی حضرت محمد ﷺ*، ترجمه: احمد نمایی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴۰. مسعودی، ۱۴۰۹ق، *مروج الذهب ومعادن الجواهر*، تحقیق: اسعد داغر، قم، دار الهجرة.
۴۱. مقدسی، ابو عبدالله، ۱۴۱۱ق، *احسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، القاهرة، مکتبه مدبولی.
۴۲. محمدی ملایری، محمد، ۱۳۷۹، *تاریخ و فرهنگ ایران*، ج ۳، تهران، توس.
۴۳. مفتخری، حسین؛ زمانی، حسین، ۱۳۸۹، *تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان*، تهران، سمت.
۴۴. مؤلف مجهول، ۱۳۶۶، *تاریخ سیستان*، تحقیق: ملک الشعرا بهار، تهران، کلاله خاور.
۴۵. یعقوبی، ابن واضح، بی تا، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۲، بیروت، دار صادر.
۴۶. —، ۱۴۲۲ق، *البلدان*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ب. مقاله

۱. تفضلی، احمد، پاییز ۱۳۷۶، «نقش سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دهقانان در سده‌های نخستین دوران اسلامی»، *ایران‌نامه*، ش ۶۰.
۲. دهقان‌پور، زهره؛ بیات، علی، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، «پیامدهای اجتماعی مهاجرت قبایل عرب به ایران»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، سال هفتم، شماره چهاردهم.
۳. شاهرخی، سید علاء‌الدین، زمستان ۱۳۸۸، «هویت فرهنگی ایرانیان و اسلام در قرون نخستین هجری»، *فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ*، سال چهارم، شماره پانزدهم.
۴. مفتخری، حسین، زمستان ۱۳۸۲، «جامعه ایرانی در مواجهه با اعراب مسلمان»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش ۱۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

